

- ۷ - سخاوت در زیاد دادن نیست در بموقع بدادن است (لابروویر)
- ۸ - دست از کار خیر باز داشتن یک شرّ بزرگی ارتکاب کردن است (ژان ژاک روسو)
- ۹ - مانند همه کارها در ازدواج هم محبت بالاتر از ثروت است (موییر)
- ۱۰ - شاید در هیچ چیز بمقصد رسیدن به انسان بخش نشده است ولی تکلیف او رو بمقصد راه رفتن است (گیزو)
- ۱۱ - اشکهای چشم نمیگذارند که کدر مبدل بیأس و دیوانگی بشود (لی هنت)
- ۱۲ - قانون و حق دو چیزی است که خدا آنها را جفت آفریده ولی مردم آنها را از هم جدا ساخته اند. (کولنون)
- ۱۳ - با نخطر حیات گذشته متلذذ شدن دو بار زندگی کردن است (مارشال)
- ۱۴ - حاضر شدن بایفای تکلیف کافی نیست راه ادا کردن تکلیف را هم باید دانست (گیزو)
- ۱۵ - دوستان خود را با تعجیل تدارک مکن و آنان را با تعجیل از خود دور مساز (سولون)

لذت مطالعه

چند دقیقه یا چند ساعت از وقت را با مطالعه گذراندن یکی از بزرگترین لذایذ روحی مرد است. این لذت روحی آنقدر شیرین و جاذب است که گاهی میشود کسی را که مشغول مطالعه است اگر ازین کار محروم سازیم مانند مادریکه جگر پاره اش را از آغوشش بدر کشیده باشند متأثر و غمگین میگردد.

برخی از مردم مانند سایر کارها در خواندن نیز افراط میکنند مثلاً وقت غذا و وقت خواب را نیز فدای مطالعه میکنند و اگر آنها را

درین افراط ملامت بکنیم می‌گویند که در مطالعه لذتی هست که فقط مطالعه‌کننده می‌تواند درک بکند.

در نظر من اگر مطالعه بافراط نکشد و موضوع مطالعه یعنی آنچه‌یکه ما را مشغول ساخته منافی اخلاق و فواید معنوی نباشد بهترین اشتغالات و بزرگترین تسلیت‌ها و لذتهاست. چه خوشی و خرمی بالاتر ازین می‌تواند بشود که مرد چند دقیقه بافراغت دهن دماغ خسته خود را با خواندن چیزهای خوش آیند و لطیف متلذذ و تازه نفس بسازد. مطالعه غذای دماغ و روح ماست و مانند غذا باید وقتی آنرا اختیار کرد که یک اشتهای واقعی و کافی برای آن در خود حس بکنیم.

بعضی از مردم این نکته را ملتفت نمی‌شوند و فقط برای اینکه چیزی خوانده باشند و یا وقترا بگذرانند مشغول خواندن میشوند بدون اینکه یک احتیاج دماغی و بعبارت دیگر یک اشتها و گرسنگی حس بکنند اینگونه مطالعه بجای تقویت و تلذذ دماغ بار آن را سنگین تر و او را خسته تر مینسازد و بدینجهت مضر است. من هرگز اینگونه مطالعه را دوست ندارم و مجوز نمیکم.

اغلب ادبا و شعرا و ارباب تدقیق و تتبع از لذت مطالعه بر خوردار بوده در محسنات آن چیزها نوشته اند. بعضی از شعرای صاحب ذوق ایران نیز در جزو و سایل تلذذ و خوشحالی کتاب را ذکر و شرط قرار داده اند. و در واقع کتاب صمیمی ترین و مهربانترین رفیقهاست که خسته شدن، قهر کردن، بی مهر شدن و دورویی کردن نمی‌شناسد.

من لذیذترین ساعت‌های زندگانی خود را آن ساعت‌ها را می‌شمارم که بایک ذوق و اشتهای حقیقی بمطالعه یک چیز نافع و دلچسب که روح و دماغ مرا تلطیف کرده مشغول شده ام. درویش آزاد